



۱۲ ساله، برنده مدال طلای مسابقه نقاشی شهری که من دوست دارم، سال ۱۳۹۸

نگاهی به مفاهیم شهر دوست دار کودک به عنوان زیست جهان کودکی

شهر و آیندگانش



متین رمضانخواه
پژوهشگر اجتماعی و فرهنگی

بیش از دو دهه از تاکید حوزه برنامه ریزی شهری بر ایده «شهر دوستدار کودک» می گذرد، و امروز به عنوان یکی از شاخص های محوری شهری انسان محور، سالم و دموکراتیک مورد پذیرش همگانی قرار دارد. شهر دوستدار کودک، شهری است که تلاش دارد از تمام جوانب به شهری مناسب برای کودکان بنگرد و پاسخ گوی نیازهای مختلف کودکان باشد. از این رو باید گفت که تحقق شهر دوستدار کودک وابسته به عزمی همگانی از طراحی، اجرا و نظارت توسط تمامی ارکان مدیریت شهری است. باتوجه به اینکه کودکان از ادبیات و ابزار رایج همانند سایر گروه های شهری برای طرح و پیگیری مطالبات شان استفاده نمی کنند، نیازمند دقت و حساسیت بالاتری است؛ چراکه تحقق کامل حقوق کودکان در شهر تحت تاثیر ابعاد مختلف کالبدی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی قرار دارد. شهر دوستدار کودک، مانند برخی از مفاهیم سیاست گذاری شهری، به نظر ساده و قابل فهم ولی در واقعیت پیچیده و نیازمند دقت و حساسیتی خاص است. البته این خطا نیز ناشی از آن است که افراد گمان می کنند زیست جهان کودکی ساده است و ما به عنوان دانای کل درباره آن بسیار می دانیم یا به راحتی قادر به درک تمامی مسائل هستیم.

توجه به اصل مشارکت کودکان

مهم ترین رکن در تعریف شهر دوستدار کودک، تعریف کودکان و نوجوانان به مثابه کشتنرگان شهری است که باید فضا برای حضور و مشارکت آنان فراهم شود. مشارکت کودکان، مفهومی مبهم است که به راحتی وجهی عوام فریبانه به خود می گیرد، و در بسیاری از مواقع مدیران و حتی کشتنرگان مدنی شهری در این سطح از مشارکت گرفتار می شوند. راجر هارت، یکی از معروف ترین الگوهای نظری برای مشارکت کودکان را ارائه داده است که بر مبنای آن می توان میان مشارکت واقعی کودکان و وضعیتی که گمان می شود کودکان در حال مشارکت هستند، تمایز قائل شد. محوری ترین تاکید هارت بر میزان فاصله کودک از نقش ایژگی و حرکت به سوی سوژگی یافتن او است.

در پایین ترین سطح مشارکت که همان عوام فریبی است، بزرگسالان از

کودک برای رسیدن به اهداف خود بهره می گیرند، الگوی استفاده از حضور کودکان در فستیوال های سیاسی نمونه ای بارز از این سطح در مشارکت است. در سطح دوم، الگوی تشویق کودک در ازای تحقق اهداف بزرگسالان مورد توجه قرار دارد، همانند دادن جایزه به کودک برای انجام کاری که از او خواسته شده است. در سطح سوم که مشارکت صوری نامیده می شود، کودک در ظاهر امکان اظهار نظر داشته، درحالی که در واقعیت، او حق خاصی برای انتخاب در اختیار نداشته است. در سطح چهارم تمامی ارکان و چگونگی انتخاب به کودک دیکته شده و کودک بر اساس نقشه راهی که از قبل برای او تعریف شده است دست به انتخاب می زند. در سطح پنجم بزرگسالان تصمیم نهایی را اتخاذ کرده اند اما قبل از اعلام و اجرا، از کودک نظرخواهی خواهند کرد تا او، خود را صاحب نظر در تصمیم بداند. در سطح ششم، کودک یا نوجوان خود نیز در تصمیم گیری سهیم است و بخشی از فرایند تصمیم توسط کودک اتخاذ خواهد شد. در سطح هفتم، این کودکان هستند که تصمیم گیری و اجرا می کنند. اما در آخرین و ارتقا یافته ترین سطح، کودکان و نوجوانان، تصمیم گیر، مجری و ناظرند و در صورتی که صلاح بدانند، بزرگسالان را نیز در این فرایند سهیم می کنند. در حقیقت بالاترین سطح مشارکت، تمام فرایند متکی به نظر و عمل کودک یا نوجوان است و برای او نقش کنتشگری کامل در نظر گرفته شده است. تحقق بالاترین سطح از این هرم، جز با اراده برنامه ریزان شهری، هماهنگی دستگاه های سیاست گذار و مجری مرتبط با حوزه کودکان و نوجوانان، ارتقاء دانش عمومی درباره کودکان و زیست جهان پیچیده و متفاوت شان در سطح عموم جامعه و پذیرش، همراهی و مطالبه گری خانواده های کودکان و نوجوانان میسر نخواهد شد.

تهران بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، با حضور ۲۵ درصدی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال در آن، شهری جوان محسوب می شود. از این رو، نیازمند سیاستی جدی و مستمر به منظور احراز عنوان شهر دوستدار کودک است. با توجه به گستره فضایی-کالبدی تهران، پراکندگی مراکز خدماتی، وجود نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، طیف متنوع اقشار اجتماعی-اقتصادی ساکن در مناطق مختلف، شکاف طبقاتی معنادار و شهری با هویتی مبتنی بر اشتغال و درآمد بیشتر، تحقق شهر دوستدار کودک در آن به صورت یکپارچه و طی فرایندی یکپارچه، امکان پذیر نیست. در این وضعیت، بدیهی است که برای اثربخشی طرح،

نباید از کیفیت و تعریف درست مسئله و راه حل کوتاه آمد، بلکه باید طی برنامه ای مستمر در فاصله های زمانی کوتاه، میان و بلندمدت به این هدف دست یافت. از این رو، اقدامات مؤثر در مناطق مختلف می تواند متفاوت و وابسته به شرایط و فرصت های میدان باشد.

در ایجاد شهرهای دوستدار کودک، آنچه بیش از همه مورد تاکید مجامع جهانی از جمله یونسف است، فرایند تکاملی شهر دوستدار کودک، شامل ایجاد ساختارهای مدیریتی، ارزیابی و تحلیل وضعیت کودکان در ابعاد مختلف و تدوین برنامه متناسب هر شهر، منطقه یا محله، اجرای برنامه در بازه زمانی دو تا پنج سال و بهبود مستمر، گام های اصلی است. وقتی بحث از ارزیابی در ابعاد مختلف پیش می آید، لازم است ایمنی و امنیت، سلامت و بهداشت، کیفیت محیطی محل زندگی کودکان، کیفیت و نحوه دسترسی به خدمات مورد نیاز و... را در ابعاد کالبدی و اجتماعی، مورد توجه قرار داد. بنابراین اقداماتی که به صورت پراکنده و در یک ساختار سازمان نیافته انجام می شود، لزوماً منجر به شکل گیری اجتماعات دوستدار کودک نخواهد شد.

محیط مطلوب برای حضور

مطلوب ترین محیط برای کودک و نوجوان محیطی است که موجبات آرامش او را فراهم آورد، اما شهرهای بزرگ به دلیل وجود آلودگی های مختلف از جمله آلودگی صوتی، هوا، عدم ایمنی، تراکم بالا ساختمان ها، عدم توسعه مناسب پیاده روها و فضاهای بازی برای کودکان و نوجوانان مناسب نیستند. در این میان تعامل کودکان با فضاهای بیرونی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

ما کودکان را در شهری با خود همراه می کنیم که در بهترین وضعیت برای زیست بزرگسالان مناسب سازی شده است. تاکید بر ساخت و توسعه فضاهایی ایمن، دسترسی پذیر برای کودکان، جذاب، خلاق، تعاملی و قابل لمس برای او از جمله خصوصیات است که در تعریف میان گروه بزرگسالان و کودکان متفاوت است.

برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک، لازم است همه نهادها و سازمان های دولتی و خصوصی با این جریان هماهنگ شوند. همچنین لازم است برای بهره مندی کودکان از بهترین سرآغاز حضورشان در شهر، تمام افراد جامعه نسبت به اهمیت دوران طلایی کودکی آگاه شده و والدین برای ایجاد زمینه های رشد همه جانبه کودکان توانمند شوند و آموزش ببینند. خدمات اجتماعی مناسب برای کودکان، دسترسی به آموزش های متنوع و باکیفیت و بروز و ظهور زمینه های مشارکت اجتماعی نیز بخش مهمی از تعریف و تحقق شهر دوستدار کودک است.

اگر بخواهیم شهری مناسب زیست مطلوب کودکان و با مشارکت حداکثری آنان بسازیم، یکی از دسترس پذیرترین راه ها پرسش از خودشان درباره شهری است که دوست دارند در آن ساکن شوند. این ایده توسط دبیرخانه شهر دوستدار کودک شهر تهران (اداره کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران) در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ اجرایی شد. در این دو سال از کودکان ۴-۱۴ سال تهرانی خواسته شد تا شهری را که دوست دارند، به تصویر در آورند. در سال نخست ۹۴۰۰ اثر و در سال دوم ۱۴۸۷۴ اثر توسط این گروه برای دبیرخانه ارسال شد.

تولید محتوای این آثار در طبقه بندی اولیه حکایت از آن دارد که کودکان، تهران را با ویژگی هایی می خواهند که امروز در شهر کمتر دیده می شود. شهر مطلوب آنان، رنگی تر از تهران سیمانی و آجری امروزی است، تمیز و پاکیزه تر، با تنوع بالاتری از فضاهای تفریحی و شاد همانند زمین بازی و فضاهای مختص به خودشان. کودکان در شهر مطلوب شان کتابخانه، مراکز خرید، فضاهای تعاملی و گفت و گو، سالن تئاتر، سینما، پارک، استادیوم، مسیر دوچرخه سواری، مسجد، نمایشگاه های بزرگ، جشن های همگانی، زیست شبانه، دریاچه ها و فضاهای سبز طبیعی گسترده، وسایل حمل و نقل دوستدار طبیعت، حیوانات مختلف، برج، آپارتمان و ده ها المان دیگر را به تصویر کشیده اند. اما نکته آنجاست که هر چه به گروه سنی کودکان افزوده می شود، از تنوع، همزیستی گروه ها و فضاهای متفاوت و رنگ در شهر کاسته شده و شهر به تهران امروز نزدیک تر می شود. به عبارتی رابطه ای مستقیم بین آموزش های رسمی و سن کودک با کم شدن خلاقیت و نزدیک شدن ایده هایش به واقعیت ساخته بزرگسالان وجود دارد.

شهر دوستدار کودک، برنامه ای چندوجهی است که مشارکت سیاست گذاران و واحدهای اجرایی و نظری در آن ضرورت دارد، و در نمایی کلی، مدیریت محلی، جامعه مدنی، رسانه ها، دانشگاهیان و بخش خصوصی را شامل می شود. تلاش برای تحقق مشارکت متعالی کودکان و ساخت زیربنای شهر دوستدار کودک از طریق ایجاد ظرفیت های محلی و نهادهایی برای تضمین توسعه پایدار، امکان زیست و بروز حقیقی کودکان، در مقام آیندگان را به دنبال خواهد داشت.